



رسول رخشا

اگر نقاشی طبیعت بی‌جان و منظره را در تاریخ هنر به‌مثابه تعریفی کلاسیک از نقاشی‌کردن بدانیم، شاید در برخورد امروزی و معاصر با این هنر، دیگر چندان اشتیاقی برای ارتباط‌گرفتن با این ژانر(ها) وجود نداشته باشد و فکر کنیم که نقاشی منظره یا طبیعت بی‌جان، دوران‌اش به سر آمده است؛ هرچند در دوران معاصر هنرمند بزرگی مثل دیوید هاکنی خط بطلان پررنگی بر این فرضیه می‌کشد و کسانی را که چنین‌پنداری دارند، بیرون از دایره نقاشی‌شناسی می‌اندازد. هاکنی تاریخ هنر و تاریخ‌ تصویر را تداوَم و پیوستگی یک قصه بلند می‌داند و بازگشت دوباره به ایسن دو ژانر را به زنده‌بودن آنها مربوط می‌کند. اگر با این مقدمه به سراغ آثار دلناز طاهری، نقاش جوانی برویم که اولین نمایشگاه انفرادی‌اش را با موضوع طبیعت بی‌جان برپا کرده است، دیگر باید از مسئله ژانری عبور کرد و به کیفیات معنایی، فرمی و رنگی کارهایش توجه نشان داد. اگر از اشتیاق و علاقه نقاش به سنت‌های این ژانر و ردپای استنادنی مانند سزان، ماتیس و هنرمندان ایرانی این ژانر یعنی از منوچهر کتانی تا هنرمند جوان‌ثری مثل مسعود اصلانی بگذریم، اولین چیزی که

درباره‌نمایشگاه «اتاق روشن» در گالری ثالث

میل به انتزاع

در نمایشگاه «اتاق روشن» توجه مخاطب را به خود معطوف می‌کند، استفاده از رنگ‌های متنوع، تندوتیز و زنده است که دیوارهای سیاه گالری ثالث را پوشانده است و با شیوه نورپردازی متمرکز گالری، این موضوع تشدید شده است. هنرمند موضوع و سوزۀ‌اش را پذیرفته و سعی می‌کند ارائه‌ای مکرر از آن داشته باشد، یک صفحه میز در میانه تابلو می‌گذارد و با قراردادن اشیائی اغلب زئانه مثل کیف پول، رژ لب، عطر، عروسک، کیک تولد، کلدان و… طبیعت بی‌جان با ترکیب‌بندی‌های متفاوت را در میانه تابلوها شکل می‌دهد و اطراف تابلوها پر از طرح، خط و نقش‌های رنگی تودرتو می‌شود که دودادور میز را تزئین کرده‌اند، این تزئینات که بی‌شابهت به نقش پارچه یا پرده یک اتاق نیستند، اطراف میز را قاب گرفته‌اند و انکار در حال رشد و تکثیر هستند و از کناره‌ها میل به حرکت و رشدکردن به سمت بیرون و درون قاب را دارند تا جایی که انکار با گذر زمان و کمی بعد، همه جای تابلو را احاطه می‌کنند و دیگر ردی از اشیا و چیزهای روی میز باقی نمی‌ماند. سکون، سکوت و تکرار اشایی محدود در تابلوها با درهم‌آمیزی خطوط و لکه‌های رنگی متنوع و زنده، سازنده یک تضاد

است، تضاد میان سکون و حرکت و همین‌طور تقابل میان پذیرفتن یک وضعیت ایستا و راکد (که ذات طبیعت بی‌جان است) و یک موقعیت تازه و در حال تغییر (موقعیتی که در طبیعت بیجان‌های زنده و پویا وجود دارد)، به شکلی که انکار در زمان‌های بعدی دیگر ردی از سکون و سکوت اشیا و طبیعت‌های بی‌جان به جا نمی‌ماند. به نظر می‌رسد نقطه قوت کار نقاش رسیدن به همین وضعیت دوگانه در یک زمینه است؛ اما این شرایط طوری پیش رفته که این دوگانگی بدل به پیدایش مرز پررنگ و مشخصی در تابلوها شده است، شاید اگر طبیعت بی‌جان و اشیای شکل‌شده از بازنمایی صرف فاصله می‌گرفتند و کمی از شکل می‌افتادند و مانند نقش‌های رنگی اطراف‌شان میل بیشتری به انتزاع پیدا می‌کردند، با حالت دیگری روبه‌رو می‌شدیم که ضمن داشتن وضعیتی متناقض، همسانی و یکدستی اثر را بالا می‌بردند. با اینکه دلناز طاهری ژانر دشواری را برای اولین انفرادی‌اش برگزیده است؛ اما به نظر می‌رسد اگر در کنار استعدادش، همین‌طور به تلاش خود ادامه دهد، می‌تواند در ژانر طبیعت بی‌جان به فردیت و امضای شخصی خود دست پیدا کند.

با نگاهی به آثار بزرگمهر حسین پور در نمایشگاه کج‌تابی

بی‌قاعدگی، قاعده مسلط این روزها



به نقاشی نزدیک‌تر شود. این همان مسیری است که اردشیر محمصص هم به شیوه دیگر آن را طی کرد اما تا به آخر نگاه ژورنالیستی و کارتونی دست از سرش برنداشت. همان کاری که کامبیز درم‌بخش هم تا به انتها نخواست یا نتوانست از آن فاصله بگیرد. اکنون باید دید آیا بزرگمهر هم در گامی که به سمت نقاشی برداشته است چقدر می‌تواند و می‌خواهد خود را از دوره کارتونیزست مطبوعاتی بودن فاصله داده و به‌جای واکنش‌های ژورنالیستی و اثرگذاری‌های مقطعی به سمت اثرگذاری‌های بلندمدت و تغییر چارچوب‌های اساسی‌تر پیش برود. چارچوبی که دیگر بخش‌هایی از آن جامعه مخاطب نخواستند بود و جامعه در مفهوم و بستر تاریخی آن مخاطبش خواهند بود. نمایشگاه کج‌تابی در شیوه بیان و شکل و برخی مضامین توانسته حرکت رو به جلو برای حسین‌پور تلقی شود، ولی باید در ادامه دید چقدر نقاش به پختگی در رنگ‌گذاری، رسیدن به یک فرم در تجربه بی‌فرمی، و ایده‌های عمیق‌تر به لحاظ محتوا دست پیدا خواهد کرد. ایده‌های که بیان‌کننده تغییرات جامعه او باشد و ما را به رسیدن به زبانی خاص او برساند و در حکم بیانیه هنری و به‌عبارتی دیگر سبک و سیاق او تلقی شود. او با کج‌تابی از قاعده خود را خارج کرده، قاعده کاری خود و چه قاعده کاری هنرهای تجسمی، حال باید دید در تجربه بی‌قاعدگی، به قاعده تازه‌ای می‌رسد و می‌تواند چارچوب‌هایی را که به هم زده به قول خودش به پنج چوب‌های تازه و جذابی تبدیل کند.



فضای یکدست داستان را با گفت‌وگو و شرح حوادث جذاب‌تر کنید

تا مایه کسالت نشود.

۸- پادتان نرود که از تشبیه و تضاد هم استفاده کنید (هنری که

شعرای ایرانی در آن چیره‌دست‌اند).

۹- «از صفت‌ها زیاده استفاده نکنید. از فعل‌های جاندار استفاده کنید»؛

مثلا «چشمان مرد همچون شن‌کش بر بدن او کشیده شد» یا «زن فکر انتقام از شوهرش را گل‌بته‌دوزی کرد» جاندار است.

۱۰- «از کلیشه‌ها و وابسته‌های وصفی، شعار و کلمات نخبه‌ما استفاده نکنید»؛ مانند تعبیر «سفید همچون برف» که واقعا کلیشه‌ای و نخبه‌ماست.

۱۱- «در نقطه‌گذاری افراط نکنید» (این مورد را به تجربه می‌گویم در

فارسی تفریط می‌شود. بسیاری از دانشجویان مقالات درسی‌شان را اکلا بدون نقطه و کاما نوشته و می‌فرستند).

۱۲- «کلی‌گویی نکنید. از توصیف‌های خاص استفاده نکنید»؛ مقاله حول آن شکل گرفته، باید در سراسر متن احساس شود و روی همان متمرکز بود.

۱۳- «فراموش نکنید که نوشته شما باید ابتدا، میانه و پایان داشته باشد». منظور نویسنده این است که متن باید وحدت داشته باشد و آغاز و پایانش ناهمخوان یا یکدیگر نباشد.

۱۴- «تعداد بین اجزای اثر را فراموش نکنید و حاشیه نروید». مثلا اگر در داستان‌تان به تفنکی آویزان به دیوار اشاره می‌کنید، نباید بدون



خبر برگزیده

برگزاری «کلکسیونر مدرن» هم‌زمان با افتتاحیه گالری آرتیبیشن در مکانی نو
آغازی نو با مدرنیسم‌ها



نمایشگاه «کلکسیونر مدرن» با آثاری از هنرمندان تأثیرگذار مدرنیسم به تاریخ هفتم مهر در مکان جدید گالری آرتیبیشن برگزار می‌شود. در این نمایشگاه آثار مهم هنرمندان از جمله: نصرالله افجه‌ای، محمدرعلی ترقی‌جاه، ابراهیم فرجی،

حسین زنده‌رودی، حسین محجوبی، صادق تبریزی، محمدرعلی شیوایی (کاکسو)، محمد احصایی، منوچهر نیازی، هانیبال الخاص، ناصر اویسی، آرمان یعقوب‌پور، منوچهر کتانی، جلال شباهنگی، هادی هزاوه‌ای، عبدی اسبقی، ژازه تباتبایی، رضا درخشانی، ایران درودی، سیراک ملکویان و بهزاد گلیابگانی به نمایش گذاشته می‌شود. در توضیح این نمایشگاه نوشته شده: «هنر مدرنیسم در ایران مانند بسیاری از پدیده‌های مشابه با ورود ایران به دوره مدرن پا گرفت و رشد کرد تا به امروز که هنر مدرنیستی ایران صد سالی عمر کرده و نمونه‌های متعددی از تجربیات را از سر گذرانده است.

از زمان نخستین تجربیات ابوالحسن صدیقی در اروپا تا آنچه در دهه‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰ رخ داد، زمان زیادی نگذشت؛ اما تجربیات و تعداد هنرمندان آن چنان رشد کردند که قیاس دستاوردهای هنر مدرن ایران در میانه سده ۱۴ با آنچه در نخستین گام‌ها رخ داده بود، ناممکن به نظر برسد. هنرمندان مدرنیست ایران با پیمودن چند مسیر مختلف کوشیدند تا آنچه را که از مدرنیسم اروپایی آموخته بودند، درک کرده و به شکلی با مفاهیم کهن‌تر فرهنگ و هنر ایران آشتی دهند. شاید از این‌رو باشد که هنر مدرنیستی در ایران را به دو شاخه تقسیم کردند که گروه اول را نویسندگان ایران خواندند و گروه دوم را مدرنیست‌های آزاد؛ گروه اول کوشیدند تا آموزه‌هایی را که از آن سوی جهان می‌آمد، با لهجه یا بیانی ایرانی تلفیق کنند و گروه دوم کوشیدند تا هنر مدرن را مانند پدیده‌ای بین‌المللی درک کرده و بی‌توجه به میراث کهن فرهنگی و هنری ایران به سراغش بروند؛ بی‌آنکه بگوشتند تا لهجه یا بیانی ایرانی به آن بچسبند. حال و پس از صد سال از نخستین تجربیات هنر مدرنیستی در ایران، هنرهای بصری ایران به نقطه‌ای تازه رسیده است.

با این حال سخت بتوان تأثیر عمیق هنرمندان مدرنیست را در همه طول قرن گذشته هجری شمسی نادیده گرفت. آنها کوشیدند تا جهانی جدید را پیش‌روی‌شان بگذارند و موفق شدند.» علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از «کلکسیونر مدرن» از جمعه هفتم مهر با افتتاح مکان جدید گالری آرتیبیشن تا دوشنبه ۱۷ مهر در آدرس: ولیعصر، بالاتر از فرشته روبه‌روی بانک صنعت و معدن، پلاک ۹۸/۲۷ حضور پیدا کنند.

آنها مغرور و با نقد آنها دل‌شکسته نشوید.

۲۵- «دنبال اینکه آیا استعداد دارید یا ندارید نباشید».

۲۶- «گول افسانه «یک‌شبه ثروتمند شدن» را نخورید. ده سال طول می‌کشد تا یک‌شبه موفق شوید».

۲۷- «رمان ترساک خود را برای مجلات شاد نفرستید. ببینید اثرتان را باید برای چاپ به کجا بدهید». ضمن آنکه نباید از سردبیر انتشارات انتظار داشت دلایل پذیرفتن کتاب شما یا نفاط ضعف داستان‌تان را برایتان شرح دهد.

۲۸- «مایوس نشوید». در اینجا نویسنده شرح می‌دهد که نه از ضعف‌بودن قلم باید مایوس شد و کنار کشید و نه از پذیرفتن کتاب توسط ناشران مختلف. حتی خودش با آنکه نویسنده مشهوری است، برخی از کتاب‌هایش را به بیش از ۳۰ ناشر فرستاد تا بالاخره یکی‌شان آن را پذیرفت و چاپ کرد؛ که اتفاقاً فروش هم شد.

خلاصه آنکه نه انتظار داشته باشید نخستین اثرتان طلایی شود، نه دستورات و قواعد نویسنده‌گی را نادیده بگیرید، نه از نوشتن یا برخورد سرد ناشران مایوس شوید. مهتر اینکه باید مرتب بنویسید و برای تنبلی‌ای نه بهانه نیاورید.

چاپ ششم کتاب بیست‌وهشت‌اشتباه نویسندگان نوشته جودی دلتون و برگردان محسن سلیمانی توسط انتشارات سوره مهر در ۱۸۴ صفحه منتشر شده است.

برگ‌برگ صفحه تخصصی معرفی و فروش کتاب در اینستاگرام @barggbargg لینک خرید کتاب

https://podro.shop/barggbargg/EORqcDZY?b=pr



امیر هاشمی‌مقدم، عضو هیئت‌علمی دانشگاه مازندران

برای کسانی که علاقه‌مند به نوشتن هستند، کتاب‌های بسیاری در بازار در دسترس است که هر یک از زاویه‌ای و به بخشی از فنون و تکنیک‌های نویسندگی پرداخته‌اند. جودی دلتون (۱۹۳۱-۲۰۰۲)، بانویی که بیش از ۲۰۰ کتاب به‌ویژه در حوزه کودکان نوشت و برخی از آثارش همچون «کتی»، «فرشته» و «شاهانگ‌ها» مشهور شد، در این کتاب –و همان‌گونه که از نامش پیداست– به ۲۸ خطایی می‌پردازد که علاقه‌مندان به نویسندگی دچارش می‌شوند. این اشتباهات طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ از نگارش و ویرایش تا بی‌انگیزگی و بهانه‌تراشی برای ننوشتن. برخی از ۲۸ تیر اصلی کتاب، به تنهایی گویای اشتباه است و برخی دیگر نیاز به توضیحی کوتاه

دارد.
۱- «در کار نوشتن امروز و فردا نکنید». دلتون توضیح می‌دهد کسی که واقعا هدفش نویسندگی باشد، امروز و فردا نمی‌کند، بلکه نویسندگی را در اولویت دیگر کارهایش قرار می‌دهد. او همچنین برای کسانی که نمی‌دانند چگونه نوشتن را آغاز کنند، در این بخش پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. برای نمونه: «کتابی را باز کنید و چیزی درباره اولین کلمه‌ای که به چشم‌تان می‌خورد بنویسید» (ص ۱۳).

